

ای پسر بوترا ب اگر رسیدی به آب

اول خودت بنوش

ای شده راه نجات زده به قلب فرات

اول خودت بنوش

ساقی طفل رباب اگر رسیدی به آب

اول خودت بنوش

برگردان یک

به هر بلا سپری ....تو!

از همه تشنه تری..... تو!

اول خودت بنوش اول خودت بنوش

برگردان دو

قرار قلب بابا ...تو را به جان زهرا ...

به خاطر دل ما ... اول خودت بنوش

برگردان سه

خدا راضی ... حسین راضی ...

حرم راضی

اول خودت بنوش اول خودت بنوش

**وزن اول :**

خواب ما شد آب و از رویای خود شرمنده ایم

از ترک های لب سقای خود شرمنده ایم

ای بلاگردان ما ابر ما باران ما

اول خودت بنوش

دیدنی شد در جوار تو جمال علقمه  
می زند بوسه به دستت خوش به حال علقمه

ای یل بالا بلند دیده بر دنیا مبند

اول خودت بنوش

ای به دریا رفته ما غرق نگاهت مانده ایم

از دم رفتن همه دیده به راهت مانده ایم

تشنه لب سقا شدی جانفدای ما شدی

اول خودت بنوش

پُر شده از لاله ی اندوه و غم باغ دلت

حال اصغر دیدی و سنگین شده داغ دلت

ای پُراز بغض گلو ما همه راضی عمو!

اول خودت بنوش

می شود نام تو با هر آه تشنه زمزمه

شد اگر فتح تو ای سقای تشنه ، علقمه

مرد جنگ تن به تن بر لب آب بزن

اول خودت بنوش

این عشیره یک قمر دارد ، همه دلبسته اش

جرعه آبی گر بنوشد ، نوش جان خسته اش

ما همه چشم تریم ما به این راضی تریم

اول خودت بنوش

هر قدم از خاک این صحرا پُر از آقایی ات

کربلا مدیون دست و پرچم و سقایی ات

ای به هر زخمی دوا ای پناه خیمه ها

اول خودت بنوش

## وزن دوم:

ای یلِ دریا دل أمّ البنین  
گوشه ای از آسمان روی زمین  
بر سر راهت کمانها در کمین  
اول خودت بنوش

هم علمداری و هم آب آوری  
یک تنه رفتی به جنگ لشکری  
از تمام ما عمو تشنه تری  
اول خودت نبوش

ای امیر لشکر مردانِ مرد  
دوری ات آورده دلها را به درد  
تشنه رفتی ، تشنه اما برنگرد  
اول خودت بنوش

ای لبت خشک و دلت دریا عمو  
خارِ راهِ این حرامی ها عمو  
بی تو بابا می شود تنها عمو  
اول خودت بنوش

## مرثیه های تاسوعا 1405

دل تنگی که دریا شد ، تو هستی  
شریک اشکِ بابا شد ، تو هستی  
به دست تو رسیده پرچم و مشک  
علمداری که سقا شد ، تو هستی

تو هر جا باشی از غمها اثر نیست  
که شب جولان دهد وقتی سحر نیست  
بجز بابای مظلومم در این دشت  
کسی از تو عمو جان تشنه تر نیست

دل ما خانه ی آه است برگرد  
سرِ راهت کمینگاه است برگرد  
الا ای یوسف ما ، این بیابان  
پُر از گرگ و پر از چاه است برگرد

تویی در این کویر تشنه باران  
علمدار سپاهِ آلِ عمران  
کفی از آب را سهمِ خودت کن  
بمان زنده ، بمان زنده عمو جان